

ادامه از صفحه اول

حقوق بشر در چنبره خوانش و تفسیرهای نو

باین‌حال هم در جهان پس از پایان جنگ جهانی دوم و هم در ایران پس از تصویب قانون اساسی، خوانش‌های جدیدی از مفاهیم اسناد بین‌المللی و ملی مطرح شد؛چنان‌که بسیاری از کشورهایی که برای جلوگیری از برافروخته‌شدن جنگ‌ها اقدام به تصویب منشور، اعلامیه و ایجاد سازمان ملل متحد کردند، پس از جنگ جهانی با برداشت‌های جدید خود از اهداف و آرمان‌های منشور ملل متحد، دوباره درگیر جنگ‌های منطقه‌ای مانند جنگ کره و... شده یا با کمک به عوامل و طرفداران و مزدوران خود با کودتاهای کاختی و نظامی، دولت‌های مردمی را ساقط کردند. ایالات متحده آمریکا و انگلستان دو کشور شاخص سرمایه‌داری و اعضای پیمان ناتو با اندیشه لیبرالی در ایران دولت ملی، قانونی و آزادی‌خواه دکتر محمد مصدق را سرنگون کردند. طرفداران اتحاد جماهیر شوروی سابق در مجارستان و افغانستان به حکومت نسبتاً آزاد مجارها و مشروطه ظاهرشاه پایان دادند و این دو کشور را به لحاظ توسعه سیاسی به نیم‌قرن پیش از کودتا برگرداندند. همیمانان این کشورها نته‌ها نقض حاکمیت‌های ملی، حقوق بشر و سرکوب مردم در این کشورها را محکوم نکردند، بلکه برای اقدامات کودتاچیان نیز لهلله کشیدند. امضانندگان منشور و اعلامیه قبل و بعد از این کودتاها در سراسر دنیا نیز کودتاها‌ی ضدمردمی به راه انداختند و چه چنپایان در کشورهای آسیایی، آمریکایی، اروپایی و آفریقایی مانند اندونزی، شیلی، یونان و کنکو صورت نگرفت و به این جهات، نیمه دوم قرن بیستم را عصر کودتاها نامیده‌اند. جدا از نقض حاکمیت سیاسی دولت‌ها از سوی کشورهای امضانکننده منشور و اعلامیه، در ۷۵ سال گذشته، این دولت‌ها هم در کشورهایشان و هم در خارج و غالباً به نام دفاع از حقوق بشر، به صورت گسترده این حقوق را نقض کرده‌اند؛ گستره نقض حقوق بشر به لحاظ وسعت و جمعیت کشورها بسیار بیشتر از کشورهایی است که این حقوق را تبلیغ و ترویج می‌کنند. این اقدامات کم‌وبیش از حالت استسنا خارج و به قاعده تبدیل شده است. در ایران، مردم انتظاراتی از اجرای قانون اساسی داشتند، اما شرایط جنگی، «ساله» نیز برای اجرای مُر این قانون که مبنای ملی و قرارداد بین ملت و حاکمیت است، صبر کردند. بعد از پایان جنگ، افتاد‌هایی به محقق‌نشدن اصول قانون اساسی ازجمله اصول بنیادین فصل سوم، کاستن دایره فعالیت مطبوعات و کار سیاسی و ... وجود داشته است. در لای تقصیرهای جدید، دالان کاندیداشدن افراد برای ریاست‌جمهوری و ورود به مجلس و شورا‌ها درازتر و تنگ‌تر شد. قانون اساسی بر «رفع تبعیضات نازوا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم (مردم) در برابر قانون» تأکید دارد و انتظار می‌رود تبعیضات نازوا، در جامعه به دلیل شکاف‌های اجتماعی، غنی و فقیر (طبقاتی) و جنسیتی (نابرابری زن و مرد در برخورداری از امکانات و فرصت‌های شغلی در همه زمینه‌ها) و سنی (محروم‌شدن جوانان از بسیاری از امکانات) روزه‌روز کمتر شود. اما با تصویب قوانینی که مقامات قضائی نیز آن را ننگ می‌شمارند (تیسره ذیل ماده ۴۸ ق‌ا‌د‌ک) حضور وکلای مستقل نیز با اس‌ا و اگر مواجه شده است. نامتوازن‌بودن توسعه اجتماعی در کشوری که مرکزمحور است، در واقع تکمیل همان شکاف‌هایی است که در بالا به آن اشاره شد و یکی از پیامدهای آن همین فسادی است که همچون خوره کپان ملک و ملت را تهدید می‌کند. افزون بر این، این شکاف‌ها حکایت از آن دارد که تاکنون دولت‌ها نتوانسته یا نخواسته‌اند اهداف محوری مورد نظر قانون اساسی در اصول ۱۱ و ۱۵ و اصول فصل سوم تحت عنوان حقوق ملت را که اصول بنیادین آزادی‌های عمومی و حقوق بشر است، اجرا کنند؛ درحالی‌که همین قانون تأکید می‌کند: «آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آن وظیفه دولت و آحاد ملت است». این قانون دولت‌نمردان کشوری و لشکری و اشخاص و گروه‌ها را مخاطب قرار داده و می‌گوید: «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، به تمامیت ارضی ایران کمترین خدش‌های وارد کند». تصویب‌کنندگان قانون اساسی به موارد خلاف آن نیز توجه دقیق کرده و در پایان اصل نهم هشدار داده‌اند: «... و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را هرچند (حتی) با وضع قوانین و مقررات سلب کند». فراموش نکنیم حمایت از آزادی‌های مشروع مردم با همان حقوق بشر لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

۴ چه سالی و چطور با دکتر آشنا شدید؟

افسر سعیدی (همسر دکتر توسلی): سال ۲۷ بود. یکی از اقوام که همکار دکتر بود، ما را به هم معرفی کرد. بعد از چند ماه آشنایی و رفت‌وآمد، به تفاهم رسیدیم و این‌گونه ازدواج کردیم.

۴ در آن زمان، شغل شما چه بود؟

افسرسعیدی: دبیر آموزش‌وپرورش بودم و علوم انسانی تدریس می‌کردم.

۴ قدری از فرزندان دکتر توسلی بشنویم.

وحیدتوسلی (پسر دکتر توسلی): متولد سال ۵۰ هستم و کارشناس ارشد فیزیک، کارشناس و دکترای برق و مخابرات دارم. رشته تحصیلی پدر را ادامه ندادم اما به این دلیل که در فضای منزل و تحت نظر پدر بزرگ شدم و رشد کردم، کم‌وبیش به رشته ایشان نیز علاقه‌مند شدم. کارشناسی را در دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد را در دانشگاه شهید بهشتی و دکترا را در دانشگاه ویکتوریا در کانادا گذراندم.

افسانه توسلی (دختر اول دکتر توسلی): از دوران کودکی، هنگامی که از شغل آینده‌ام می‌پرسیدند، پاسخ می‌دادم که می‌خواهم مانند پدرم استاد جامعه‌شناسی شوم. انتخاب رشته در دبیرستان نه بر اساس علاقه بلکه بیشتر بر مبنای نمرات بود که بنا توجه به نمرات بالایی که در درس ریاضی، زیست‌شناسی، شیمی و... دریافت کرده بودم، به‌طور ناخودگاه به سمت رشته تجربی گرایش یافتم. بر همین اساس کنکور دادم و سپس از دانشگاه علوم پزشکی تهران مدرک کارشناسی دریافت کردم اما همان‌طور که در زمان انقلاب و پس از آن برخی تحت تأثیر سخنرانی‌های پدر تغییر رشته دادند و به رشته جامعه‌شناسی (پسر دکتر توسلی) متولذ سال ۶۰ پذیرفتم و پس از اتمام کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای جامعه‌شناسی را بر مبنای آرزوی دوران کودکی‌ام بی گرفتم و از سال ۸۶ تاکنون در دانشگاه الزهرا، تدریس می‌کنم.

آزاده توسلی (دختر دوم دکتر توسلی): متولد ۶۶ هستم. در دبیرستان هنگام انتخاب رشته تحصیلی، پدرم من را به خواندن علوم انسانی تشویق می‌کرد، ولی درعین حال میدان را برای انتخاب خودم باز گذاشت. من در آن زمان به علوم تجربی گرایش پیدا کرده بودم. کارشناسی و کارشناسی ارشد را در رشته زیست‌شناسی گیاهی گرفتم. البته همیشه به علوم انسانی علاقه‌مند بوده و هستم.

دکتر توسلی در چه خانواده‌ای پرورش یافت؟
افسانه توسلی: دکتر توسلی در خراسان رضوی متولد شد. مادرش خدیجه، از نوادگان قاجار و از خاندان معروف قزایی بود. به او همدان می‌گفتند به‌معنای همه‌دان. در آن دوران سوادداشتن یک زن عجیب بود. خدیجه قرآن می‌خواند و برخی شب‌ها به‌عنوان کتاب‌خوانی برای زنان برپا می‌کرد. پدرش از خانواده‌ای متوسط اما مردی بسیار کوشا و معروف بود به ملا احمد توسلی؛ اگرچه برخلاف عنوانش روحانی نبود. منزل بزرگی داشت با اندرونی و بیرونی. بسیار مردم‌دار بود، به‌این‌ترتیب با بزرگان و فرهیختگان خراسان رفت‌وآمد داشت. افراد مختلفی به منزل آنها می‌آمدند و دیک‌ها در حیات، همیشه جوشان بود.

۴ عمده فعالیت دکتر توسلی چه بود؟

وحید توسلی: ایشان فعالیت‌های مختلفی داشتند. اصلی‌ترین فعالیتشان، کارهای دانشگاهی بود. بیشتر علاقه‌مند بودند تا به‌عنوان یک چهره دانشگاهی شناخته شوند. البته خودشان را به تدریس محدود نمی‌کردند و فعالیت‌های تحقیقاتی گسترده‌ای انجام می‌دادند و مقالات بین‌المللی فراوانی داشتند. علاوه بر این، نقش مدیریتی و محافظتی برای رشته جامعه‌شناسی و علوم انسانی داشتند. همه این اقدامات زیر فعالیت‌های دانشگاهی ایشان است که فقط به تدریس خلاصه نمی‌شد. نوع دوم فعالیت‌هایشان، فعالیت فرهنگی بود. سخنرانی‌های بسیاری از ایشان بر جای مانده که هرچند کمی رنگ‌وبوی سیاسی دارند اما در مجموع به جریان روشنفکری دینی تعلق دارند. نوع سوم، کنشگری سیاسی بود. ایشان عضو فعال حزب سیاسی (نهضت آزادی ایران) بود. به آکسیون سیاسی اعتقاد داشت. کاندیدای مجلس و شورا و یکی دو بار در صلاحیت شد. نتیجه برایش مهم نبود، فقط اصل موضوعی که به آن اعتقاد داشت، فعالیت و کنشگری اجتماعی و سیاسی بود.

افسانه توسلی: عمده فعالیت دکتر توسلی البته تدریس و پژوهش و باروری رشته جامعه‌شناسی در ایران بود اما ایشان در حوزه سیاسی با ارتباط با مهندس بازرگان و یساران او به فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نیز می‌پرداخت. در هر دوره‌ای از زندگی به شکلی این

سیاست

گفت‌وگو با خانواده دکتر غلامعباس توسلی

نگران هضم جامعه‌شناسی در رادیکالیسم بود



علی شاملو: زنده‌یاد دکتر غلامعباس توسلی، برای بسیاری از ایرانیان، متفکران، اصحاب علم و فرهنگ به‌ویژه استادان و محققان علوم اجتماعی، نامی بلندآوازه بود. مرحوم توسلی سابقه‌ای بیش از ۵۰ سال در فعالیت‌های علمی، دانشگاهی، فرهنگی و سیاسی داشت و درک این سابقه طولانی، برای بسیاری به‌خصوص جوانان، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. آن مرحوم از پایه‌گذاران و سازندگان موج دوم علوم اجتماعی در ایران است. این اندیشمند برجسته با متفکران بزرگی نظیر مهدی بازرگان، محمدتقی شریعتی، یدالله سجایی، سیدمحمود طالقانی و علی شریعتی، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود را آغاز کرد و تا سال‌های پس از انقلاب، این مسیر را ادامه داد. به مناسبت چهلمین روز درگذشت این استاد اعتدال گرا، گفت‌وویی با خانواده محترم ایشان انجام دادیم. اعضای حاضر در این میزگرد: همسر (خانم افسر سعیدی) فرزندان: سرکار خانم دکتر افسانه توسلی، آزاده توسلی، و دکتر وحیدتوسلی، از فعالیت‌های گوناگون مرحوم دکتر غلامعباس توسلی، درعره‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی سخن گفتند؛ گفت‌وویی که تا پاسی از شب ادامه داشت. حاصل گفت‌وگوی «شرق» را با خانواده زنده‌یاد توسلی مرور می‌کنیم.

فعالیت‌ها نمایان می‌شد. قیل از انقلاب فعالیت‌های علمی ایشان در حیطه تدریس در دانشگاه‌ها، انجام پژوهش، تحقیق و شرکت در کنفرانس‌ها، انجام طرح‌های جامع شهری و سایر طرح‌ها در مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و سایر دانشگاه‌ها بود. در چند سال اول انقلاب، ابتدا ریاست دانشگاه اصفهان را بر عهده داشت و سپس در حال برنامه‌ریزی و عبور از چالش‌ها با بازنویسیِ درس رشته‌های علوم انسانی جهت بازگشایی دانشگاه‌ها و پس از آن به توسعه کمی و کیفی رشته جامعه‌شناسی پرداخت. فعالیت‌های سیاسی اجتماعی ایشان نیز به دو دوران قبل و پس از انقلاب قابل تقسیم است. قبل از انقلاب با شرکت در کلاس‌های محمدتقی شریعتی و نشست نای سخنان مهندس مهدی بازرگان، دکتر سجایی و آیت‌الله طالقانی به سیراب‌شدن در آبخشور روشنفکری دینی مشغول بود. در پاریس به کنفرانس‌یون اندشنجی پیوست و در حین تحصیل، شبانه‌روز به نوشتن مقالات اجتماعی– سیاسی مشغول بود. پس از انقلاب با تعهد به مسیر و گام‌های پیموه‌شده در راه اصلاح جامعه، همگام با رویکردی روشنفکرانه و مذهبی و ملی قلم زد، سخنرانی و مصاحبه کرد و هزینه آن را نیز پرداخت کرد.

۴ میراث‌داری دکتر توسلی از زنده‌یاد مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی و دکتر سجایی در زندگی فکری و عملی چگونه بود و چه الهاماتی از این سه بزرگوار در زندگی داشتند؟
افسانه توسلی: فکر می‌کنم بحث فراتر از میراث‌داری بود. او با این سه نفر و طرز فکرشان زندگی می‌کرد. از پیش از رفتن به پاریس با این سه گرمی ارتباط سمپاتیک داشت. با جریان دکتر مصدق در دوران دانش آموزی و سپس در دانشسرای عالی و سپس زمانی که در سوربن به سر می‌برد و شرکت در کنفرانس‌یون، همه برایش مهم بود. در واقع با این طرز فکر زندگی می‌کرد. میراث‌داری یعنی طرز فکر را از شخصی گرفتن و حفظ کردن. اما این طرز فکر جزئی از شخصیت پدرم بود. در مراسم تعطیل‌شده بپراشده سالروز میلاد ایشان در خرداد سال ۱۳۹۴ در خانه اندیشمندان علوم انسانی، اعلام کرد که من ادامه‌دهنده راه مهندس بازرگان، آیت‌الله طالقانی و دکتر سجایی هستم.

۴ از ویژگی‌های اخلاقی او برای‌مان بگویید.

افسر سعیدی: بسیار آرام و باگذشت بود؛ حتی از کسانی که آزارش می‌دادند، کینه‌ای به دل نمی‌گرفت. صبر و مقاومت بسیاری داشت.

افسانه توسلی: به نظر من سجایای اخلاقی ایشان، با افزایش سن رشد می‌کرد. پدری که در ۱۰ سالگی داشت، پدری مقتدر بود که درعین‌حال با رفتارهای نامناسب یا بی‌احترامی، ما را از خود نمی‌راند. همیشه منش دموکرات داشت. او که خود از خانواده‌ای مذهبی بود، با مس‌ترشدن، مهدی‌تر، آرام‌تر، پخته‌تر و صبورتر و صبورتر می‌شد. به یاد نمی‌آورم که امری را اجبار کرده باشد. دموکراسی در خانه حاکم بود. گاهی دوستان من

سیاست

رسیدند که جامعه‌شناسی یک رشته واقعی علمی است و بالاخره علوم انسانی هم‌گام با سایر رشته‌ها بازگشایی شد.

وحید توسلی: پدر عکسی از دورانی داشت که کمی جوان‌تر بود. پس از فشارها و استرس‌های ناشی از جریانات و نوسانات انقلابی، خود را با آن مقایسه می‌کرد و احساس پیری داشت.

افسر سعیدی: خاطرم هست هر وقت به منزل می‌آمد، یک کتاب دشتش بود. البته زمانی که مجرد بودم؛ چون خانواده‌ام کتاب‌خوان بودند، آرزو داشتم همسرم هم کتاب‌خوان باشد. در آن زمان فرزندان‌مان کوچک بودند، معلم بودم و بسیار خسته می‌شدم. او بچه‌ها را با کتاب سرگرم می‌کرد تا من بتوانم استراحت کنم.

آزاده توسلی: با اینکه ایشان مشغله زیادی داشت و در خانه هم به نوشتن و خواندن مشغول بود، سعی می‌کرد تا حد ممکن، در جمع خانواده به کارهای خود بپردازد. تمرکز بالایی داشت و به‌راحتی می‌توانست در هنگام سروصدا در خواندن و نوشتن تمرکز کند.

افسر سعیدی: او بیش از آنکه در کتابخانه‌اش کار کند، ترجیح می‌داد که کنار بقیه خانواده بنشیند و به امور علمی خود رسیدگی کند. خانه همواره مملو بود از کتاب و کاغذ و قلم.

۴ دغدغه‌های مرحوم دکتر توسلی درباره آینده ایران چه بود؟

وحید توسلی: شروع نگاه سیاسی پدر در دوران نهضت ملی‌شدن صنعت نفت و همراهی با جریان جبهه ملی و دکتر مصدق بود؛ چراکه او اعتقاد عمیق و جدی به مصدق داشت. البته به‌مرور اتفاقات دیگری افتاد و ایشان به نهضت آزادی گرایش پیدا کرد و همسراه مهندس بازرگان، دکتر سجایی و دیگر بزرگان این جریان شد. بعد هم حوادثی مانند انقلاب رخ داد که در هر دوره ایشان دغدغه‌های خود را داشتند و نقشی هم ایفا می‌کردند. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایشان این بود که همه چیز باید گام‌گام اصلاح می‌شد. همانند نظر مهندس بازرگان، عقیده بودند افسردی که در هر زمینه‌ای تدروی می‌کنند، در لحظه، هیچانی می‌شوند و رادیکالی حرکت می‌کنند که به جایی نمی‌رسند یا نتیجه خوبی به دست نمی‌آورند. پدر به روش معتدل، گام‌به‌گام و اصلاح‌طلبی اعتقاد داشت و سعی می‌کرد خود نیز در همین راه گام بردارد. او همیشه می‌گفت با تدروی در سیاست نمی‌توان به جای خوبی رسید. از برخی همکاران و دانشجویان ایشان شنیده بودم که دکتر توسلی تلاش می‌کرد علم جامعه‌شناسی، ایدئولوژیک نشود. مثلاً وقتی می‌گفتند: جامعه‌شناسی را اسلامی کنید، ایشان با زیرکی، درسی با عنوان «اندیشمندان اجتماعی مسلمان» را طرح و تدریس کرد؛ یعنی مسلمان‌هایی که تفکر اجتماعی داشته‌اند این البته با اسلامی‌شدن دانش جامعه‌شناسی فرق دارد. اجازه ندادند کتاب‌های درسی، تدریس دانشگاهی و در کل علوم انسانی ایدئولوژیک شود و خود ایشان نیز این کار را نکردند.

۴ مرحوم دکتر توسلی از نزدیکان دکتر شریعتی بود. از خاطراتی که دکتر از او می‌گفت، بگویید یا از رفت‌وآمدی که با خانواده دکتر شریعتی داشتند.

افسر سعیدی: خانواده دکتر شریعتی در مشهد و سپس در خارج بودند. باین‌حال، در حسینه ارشاد که برنامه داشتند، من همیشه همراه دکتر می‌رفتم. در همه برنامه‌هایش شرکت می‌کرد. دکتر شریعتی نیز به خانه ما رفت‌وآمد داشت. همسر در زیرزمین حسینه ارشاد، همراه دکتر شریعتی جلسات داشت.

وحید توسلی: همان‌طور که می‌دانید پدر و دکتر شریعتی صمیمی بودند و با هم درس می‌خواندند، نشریه داشتند و در جلسات فکری، با هم شرکت می‌کردند. ظاهراً زمانی که در پاریس با هم بودند، یک بار دکتر شریعتی به ایران بازگشته بود تا خانواده را ببیند. وقتی به پاریس برگشتند، برای استقبال از دکتر، دور هم جمع شده بودند و صحبت می‌کردند. دکتر شریعتی سراغ چمدان رفته بودند و با بازشدن آن دو عدد خرزبه روحانی به‌شدت از کلیشه‌های انتخاباتی گذشته فاصله گرفته و افکار عمومی به سمت گفتمان برنامه و کارآمدی، گرایش جدی یافته است. او ادامه داد: دوره سیزدهم انتخابات ریاست‌جمهوری از جنس انتخابات «پدیده‌ها» هم نیست؛ یعنی مردم به‌مرور در بهترین شرایط انتخاب قرار گرفته به جبری بیشتر از واژه‌ها و کلیدواژه‌های مهیج نمی‌انداختند. پیرایلی واقعیت‌ها که مردم کلیشه‌های انتخاباتی‌را در مصاف با واقعیت‌ها و ضرورت‌ها امتحان و تجربه کرده‌اند و در شرایط جاری که برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ آماده می‌شوند، به ضرورت‌ها و بنابرین به برنامه و کارآمدی فکر می‌کنند. قائم‌مقام جبهه ایستادگی در ادامه عنوان کرد: مدتی است مراجعات درخور توجهی به محسن رضایی می‌شود که جنس این مراجعات از همان قول ضرورت‌ها و واقعیت‌هاست. در این مراجعات درخواست‌ها فقط درخواست این نیست که رضایی نامزد شود، عمده صحبت این است که به هر شکل او در چاره‌اندیشی برای واقعیت‌ها و توجه به ضرورت‌های قطعی موجود، ورود کلاما مؤثر داشته باشد؛ بنابراین چه در جلسات و فعالیت‌های جبهه ایستادگی و احزاب عضو جبهه که البته بخشی از فعالیت مداوم همراهان محسن رضایی به حساب می‌آید، این دغدغه‌ها و مباحث، بیشتر شده است. او افزود: البته چون محسن رضایی شخصیت قراجه‌بهای و فراحزبی است، دامنه ارتباطاتی بسیار گسترده دارد.

۴ به نظر شما چرا جریان‌های فرهنگی و سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا بدون درنظرگرفن مواضع حزبی، به ایشان علاقه‌مند بودند؟
افسانه توسلی: ایشان تا حدی مصونیت علمی داشت. بسیاری از این افراد از هر مسلک و مرامی، دانشجویان جامعه‌شناسی می‌کرد تا دریابند جامعه‌شناسی چگونه علمی است. در نهایت هم آرام‌آرام به این نتیجه

ادامه در صفحه ۳

خبر

پاسخ به شایعات خارجی

درباره وضعیت جسمانی رهبر انقلاب

● خبرآنلاین: در پی فضاسازی و شایعات برخی رسانه‌های خارجی درباره وضعیت جسمانی رهبر انقلاب، مهدی فضایی، معاون رسانه دفتر رهبر انقلاب، در توییته نوشت: به کوری چشم دشمنان و به فضل الهی و با دای خیر ارادتمندان، حضرت آقا سلامت و با نشاط به انجام برنامه‌های خود طبق روال مشغول هستند.

پاسخ جعفریان به ادعاهای هسته‌ای جلیلی:

دست از سر تاریخ بردار بی مایه فطیر است

● رسول جعفریان، پژوهشگر و استاد تاریخ دانشگاه تهران، در پاسخ به اظهارات اخیر سعید جلیلی در تویتر نوشت: جلیلی: «سال ۹۲ به پشت خیمه دشمن رسیدہ بودیم، گفتند خزانه خالی است». اولاً دست از سر تاریخ بردارید. ثانیاً اصلاً با این‌همه تحریر ناشی از مذاکره عجیب شما، وقتی خزانه خالی است، آن طرف خیمه هم برسد، بی مایه فطیر است. باید سلاح و پول و مردم باشند تا بشود کاری کرد.

علی‌ریبعی:

سابقه امنیتی مهم نیست ذهنیت امنیتی نداشت

● ایسنا: سخنگوی دولت گفت: وقتی می‌گویند آدم‌هایی سابقه امنیتی دارند، انکار هرکس با این سابقه باشد، حتماً دیدگاه امنیتی دارد! آدم‌هایی را می‌شناسیم که اصلاً سابقه امنیتی ندارند؛ اما دیدشان امنیتی است؛ پس مهم تفکر افراد است، نه سابقه‌شان. علی‌ریبعی در پاسخ به این پرسش که نظر دولت درباره پیگیری برجام چیست؟ تصریح کرد: سال ۱۳۹۹ و شرایط بین‌المللی پیش‌آمده بعد از پیروزی‌های ما در سازمان ملل و شکست ترامپس شرایط خوبی را برای منافع ملی ایجاد کرده که اگر از آن استفاده کردیم، در آینده اب‌بتری از خود نشان خواهد داد. عده‌ای فکر نکنند که می‌توانند یک برش از تاریخ را کنار بگذارند. با این فرض که جناح متبوع‌شان در آینده بتواند این کار را ادامه دهد، من صراحتاً می‌گویم که این طرز تفکر جفا به نسل‌های بعدی است. تحولات سیاسی و بین‌المللی و فرصت‌های آن در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ دست‌کم بر یک یا دو نسل آتی اثر خواهند گذاشت. او در پاسخ به این پرسش که دورنمای برجام چه خواهد بود، گفت: من فکر می‌کنم قطعا مسیر گفت‌وگو را می‌رویم. خوشبختانه همه جناح‌ها بر برجام تأکید می‌کنند و کسی آن را تکذیب نکرده است. انکاده می‌کنند که روزی مخالفت با ضرورت‌ها، پیشرو مذاکره خواهند بود. ریبعی تصریح کرد: هیچ برنامه‌ای که روزی مخالفت با ضرورت‌ها داشته‌اند، در دنیا بدون ساختارهای قوی اقتصادی داخلی و بالاآوردن ظرفیت‌های داخلی‌اش نمی‌تواند رشد کند. از سوی دیگر بدون ظرفیت‌های اجتماعی قوی و بدون تعامل با دنیا نمی‌توان رشد کرد. به‌علاوه اینها، نیازمند یک مشروعیت و انسجام بالا هستیم. در واقع شکلی از دموکراسی‌های مدرن باید شکل بگیرد. موضوع تعامل با دنیا را نباید تبدیل به نزاع کنیم، تا کشور وارد مسیرهای مشکل‌زا نشود.

درخواست از آقامحسن برای نامزدی در انتخابات

● باشگاه خبرنگاران جوان: یکی از نزدیکان محسن رضایی در درخواست‌ها برای نامزدی او در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ می‌گوید. محرزضا پیرایی، قائم‌مقام جبهه ایستادگی با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری آینده گفت: انتخابات ۱۴۰۰ به‌ویژه تحت تأثیر عملکرد بسیار ضعیف دولت حسن روحانی به‌شدت از کلیشه‌های انتخاباتی گذشته فاصله گرفته و افکار عمومی به سمت گفتمان برنامه و کارآمدی، گرایش جدی یافته است. او ادامه داد: دوره سیزدهم انتخابات ریاست‌جمهوری از جنس انتخابات «پدیده‌ها» هم نیست؛ یعنی مردم به‌مرور در بهترین شرایط انتخاب قرار گرفته به جبری بیشتر از واژه‌ها و کلیدواژه‌های مهیج نمی‌انداختند. پیرایلی واقعیت‌ها که مردم کلیشه‌های انتخاباتی‌را در مصاف با واقعیت‌ها و ضرورت‌ها امتحان و تجربه کرده‌اند و در شرایط جاری که برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ آماده می‌شوند، به ضرورت‌ها و بنابرین به برنامه و کارآمدی فکر می‌کنند. قائم‌مقام جبهه ایستادگی در ادامه عنوان کرد: مدتی است مراجعات درخور توجهی به محسن رضایی می‌شود که جنس این مراجعات از همان قول ضرورت‌ها و واقعیت‌هاست. در این مراجعات درخواست‌ها فقط درخواست این نیست که رضایی نامزد شود، عمده صحبت این است که به هر شکل او در چاره‌اندیشی برای واقعیت‌ها و توجه به ضرورت‌های قطعی موجود، ورود کلاما مؤثر داشته باشد؛ بنابراین چه در جلسات و فعالیت‌های جبهه ایستادگی و احزاب عضو جبهه که البته بخشی از فعالیت مداوم همراهان محسن رضایی به حساب می‌آید، این دغدغه‌ها و مباحث، بیشتر شده است. او افزود: البته چون محسن رضایی شخصیت قراجه‌بهای و فراحزبی است، دامنه ارتباطاتی بسیار گسترده دارد.